



ابداع؛ نقش اول کمدی

وقتی صحبت از طنز می‌کنیم، بیش‌تر به طنز مکتوب نظر داریم، اما این طنز مکتوب هنگامی که قرار است نمایشی شود، عوامل بسیاری را برای موفقیت خود می‌طلبد؛ استفاده از بازیگران آشنا با این گونه‌ی سینمایی و فیلمنامه‌های منسجم از جمله این عوامل است. با این همه، کمدی‌های موفق آن‌هایی هستند که ساختار سینمای کمدی در آن‌ها رعایت می‌شود، ساختاری که در آن ابداع نقش اول را بر عهده دارد.

در سینمای جهان فیلم‌های بسیاری داریم که پر از لحظات شوخ‌طبعی و کمیک هستند، اما لزوماً آثار کمدی نیستند؛ در این میان مشکل اصلی، فیلم‌هایی است که با وجود استفاده از عناصر و عوامل کمدی اساساً ساختار کمدی ندارند و طنز در آن‌ها صرفاً نوعی چاشنی است (!) در صورتی که سینمای اصولی و ماندگار کمدی محصول فعالیت تهیه‌کنندگانی است که به دنبال ایده‌های جدید رفته و سعی می‌کنند شرایط خوبی را برای همکاری یا استعدادهای دارای ایده‌های نو فراهم آورند، هرچند در این بین تهیه‌کنندگانی هم وجود دارند که فقط به دنبال برگشت سرمایه‌ی خود هستند؛ برگشتی که در گروی استفاده از عناصر امتحان پس داده و تکراری کمیک است! در واقع ماندگاری سینمای کمدی فقط و فقط وابسته به استفاده از روش‌های نوین و غیرتکراری در جهت ایجاد لحظات و موقعیت‌های خنده‌آور است و در چنین شرایطی این تهیه‌کنندگان دسته‌ی دوم هستند که بازنده خواهند بود.

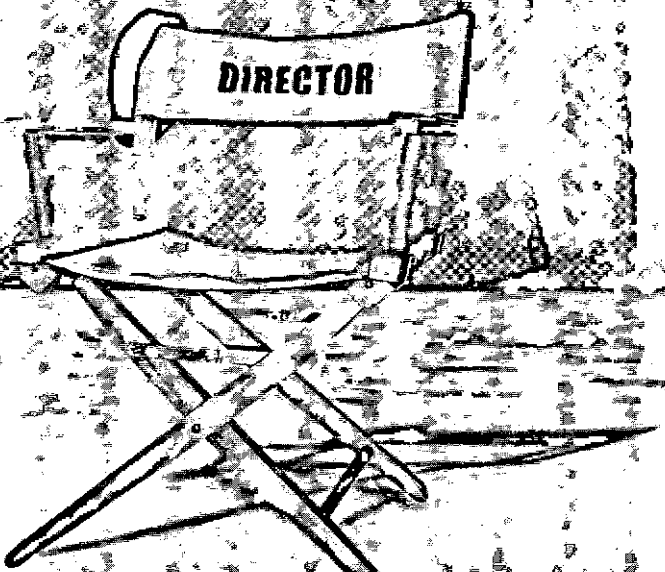
سینمای جهان

به همت مهدی فلاح صابری

با همکاری حامد مظفری، حسن نجفی، محمد ناصری

سید سعید هاشم زاده، نادیا زکاتوند و مینا فلاح صابری

سینمای کمدی و کمدیون‌های بزرگ سینما
 کتابی که نام به زبانی و آثار کارول لویس
 بهترین فیلم‌های کمدی سال
 برادران مارکس: کمدی‌های کاروانی
 کتابی به فیلم فهرست شندلر
 باک کتله (مبارک در سینما)
 کتابی به زندگی و آثار جری لوئیس
 کت و کر با یک تیکسون
 کتابی به زندگی و آثار نورمن ویردم
 کت و کوپا: این استیلر کمدیون معاصر
 آشنایی با ساختارهای سینمایی
 و طایل مارکتی جنگ تیکسون، دانستین هافمن





سینمای کمدی و کم‌دین‌های بزرگ سینما

مهدی فلاح‌صابر

تعریف ساده و بنیادین کمدی در تئاتر و سینما این است: «کمدی اثری است که در بیننده شادی و نشاط ایجاد کند و به خوبی و خوشی نیز به پایان برسد». اما غنای یک اثر کمدی به مفهومی بستگی دارد که به واسطه‌ی آن تماشاگر به خنده افتاده است. انواع مختلفی کمدی وجود دارد که هر یک به شیوه‌ی در بیننده شادی و خنده ایجاد می‌کنند؛ برای مثال در کمدی‌های تلخ و سیاه خنده از رخ دادن ماجرای جدی ایجاد می‌شود که حتی گاه پایان تلخی هم دارد، ولی عامل مشترک در همه‌ی انواع کمدی وجود رنگ‌های مضحک در رفتار و عملکرد انسان‌هاست و هم‌چنین کوشش در جهت خنداندن تماشاگر به واسطه‌ی خطاها و ناکامی‌های آدم‌هایی کندذهن‌تر از خود آنان و یا باهوش‌تر از خودشان. در حالت اول تماشاگر خود را برتر از قهرمان کمدی می‌پندارد و به این حس برتری دامن می‌زند و در حالت دوم که قهرمان از او برتر است جهان را از چشم وی می‌بیند.

تاریخچه‌ی سینمای کمدی

فیلم کمدی جزء نخستین گونه‌های سینمایی بود که شکل گرفت و به خوبی تداوم پیدا کرد؛ در حقیقت فیلمسازان اولیه‌ی سینما پس از آن که فیلم‌های مستند و واقعی از زندگی مردم آرایه دادند در تجربیات بعدی خود به سراغ خنداندن آنان رفتند، چرا که از طرفی نمایش‌های خنده‌آور در میان مردم بسیار پرطرفدار بود و از طرف دیگر از آن‌جا که فیلمسازان از بازیگران تئاتر در فیلم‌هایشان استفاده می‌کردند کم‌دین‌ها و شخصیت‌های

خنده‌آور در بین آنان زیاد بود. بسیاری از آنان از فیزیک مناسبی برخوردار نبودند برای مثال خیلی چاق بودند یا خیلی کوتاه و یا ... و همین ویژگی‌ها بود که آنان را به سمت اجرای نمایش‌های کمدی و بعدها فیلم‌های کمدی کشاند؛ در واقع این شخصیت‌ها، کم‌دین‌های روی صحنه بودند و حال می‌خواستند کم‌دین‌های عرصه‌ی سینما باشند. به این ترتیب فیلم‌های کمدی اولیه بر اساس بازیگران‌شان شکل می‌گرفتند و آنان بودند که به فیلم‌ها هویت می‌بخشیدند. این که بازیگرانی فقط در کار کمدی بوده و نام مشخصی دارند که در تمام فیلم‌هایشان آن را حفظ می‌کنند و در واقع فیلم‌های آنان بیش از آن که نام خود را داشته باشند به واسطه‌ی نام کم‌دین‌شان شناخته‌شده هستند، روشی است که فیلم‌های کمدی بسیاری بر اساس آن ساخته شده‌اند.

بسیاری «ماکس لندر» فرانسوی را اولین کم‌دین بزرگ تاریخ سینما می‌دانند. لندر کار خود را از کمپانی «پاته» آغاز کرد. پاته مهم‌ترین کمپانی فیلمسازی در فرانسه و یکی از مهم‌ترین‌ها در جهان تا پیش از جنگ جهانی اول بود. ماکس لندر در این کمپانی بیش از ۴۰۰ فیلم ساخت که نویسنده، کارگردان و بازیگر همه‌ی آن‌ها خودش بود. او در عمده‌ی این فیلم‌ها شخصیت ظریف مردی شیک‌پوش و خوش‌برخورد را که بسیار بدشانس است بازی می‌کرد و با همین نقش به شهرتی جهانی دست یافت. تأثیر لندر بر کمدی‌های مک سنت و چارلی چاپلین تردیدناپذیر است.

مهم‌ترین پایه‌گذار سینمای کمدی صامت

در آمریکا «مک سنت» بود. او که در بسیاری از فیلم‌هایی که «گریفت» برای کمپانی بیوگراف ساخت بازی کرد، به دقت از وی فیلمسازی را آموخت. مک سنت بعد از مدتی کار برای کمپانی‌های مختلف، سرانجام کمپانی خود به نام «کی‌استون فیلم» را با همکاری چند تن دیگر تأسیس کرد و در فاصله‌ی سال‌های ۱۹۱۳ تا ۱۹۳۵ هزاران فیلم کوتاه و بیش از ۱۰۰ فیلم بلند ساخت. مک سنت موفق شد یک گونه‌ی سینمایی برای خود خلق کند؛ کمدی «اسلپ استیک». این گونه‌ی سینمایی از سیرک، نمایش‌های کمدی، پانتومیم، فیلم‌های تعقیب و گریز کم‌دین فرانسوی ماکس لندر و ... مایه گرفته بود. او در این نوع کمدی‌ها جهانی پرهز و مرج را خلق می‌کرد متشکل از پرتاب یک‌های خامه‌ی و شیرینی، آویزان شدن از پرتگاه‌ها، تعقیب و گریز اتومبیل‌ها، ضرب و شتم‌های پرسر و صدا و ... فضای که سرشار از تحرک بود و همه چیز در آن به شوخی گرفته می‌شد. این سبک کمدی با ظهور چهره‌های مطرح و نامداری چون «چارلی چاپلین»، «باستر کیتون»، «هری لنگدون» و «هارولد لوید» توسعه یافت. هر یک از این چهره‌ها شخصیتی خاص را از خود به نمایش گذاشتند و سینمای کمدی را بسیار ارتقا دادند و به این ترتیب عصر طلایی کمدی شکل گرفت؛ البته به این جهان آکنده از بی‌نظمی و سردرگمی قهرمان زن کمدی هم افزوده شد و خط داستانی فیلم‌ها را به سوی فیلم‌های عاشقانه‌ی کمدی کشاند، پانتومیم به یک جزء اصلی سینمای کمدی تبدیل گردید و هر کدام از این هنرمندان از مهارت‌های بدنی‌شان برای

خلق فضاهای شاد و کمیک سود جستند. با ورود صدا به سینما، سینمای کمدی دستخوش دگرگونی اساسی شد؛ کماکان شوخی‌های تصویری وجود داشت، ولی شوخی‌های کلامی بعد تازه‌یی به سینمای کمدی بخشیده بود. برخی کمدین‌ها توانستند خود را با این تحول جدید وفق دهند و برخی نتوانستند؛ در این میان «لورل و هاردی» بسیار موفق بودند، اما شاید موفق‌ترین کمدین‌های این دوران «برادران مارکس» باشند. برادران مارکس چهار شخصیت بودند به نام‌های «هارپو»، «گروچو»، «زیو» و «چیکو» که فیلم‌های آنان علاوه بر برخورداری از صحنه‌های کمیک ناشی از هرج و مرج و بی‌نظمی، سرشار از دیالوگ‌های احمقانه و بی‌سر و ته و در عین حال بسیار طنزآمیز بود. از جمله فیلم‌های مطرح برادران مارکس می‌توان به «سوپ اردک» (۱۹۳۳) و «شبی در اپرا» (۱۹۳۵) اشاره کرد. در دهه‌ی ۱۹۳۰ نوع دیگری از کمدی نیز مطرح شد این کمدی‌ها به آثار تئاتری شبیه بود و ساختار نمایشی داشت، رئالیستی بود و به مسایل اجتماعی روز می‌پرداخت، هوشمندانه بود، بر دیالوگ‌های طنزآمیز تکیه‌ی زیادی می‌کرد و مورد علاقه‌ی تماشاگران هوشمندی بود که به‌تازگی به سینما روی آورده بودند از جمله این کمدی‌ها می‌توان به «دردر در بهشت» (۱۹۳۲) ساخته‌ی «ارنست لوییج»، «در یک شب اتفاق افتاد» (۱۹۳۴) ساخته‌ی «فرانک کاپرا» و «بزرگ کردن بچه» (۱۹۳۸) ساخته‌ی «هاوارد هاکس» اشاره کرد. در دهه‌ی ۱۹۴۰ و به‌ویژه در سال‌های اوج جنگ جهانی دوم و سال‌های جنگ سرد، دیگر

جای زیادی برای شوخ‌طبعی و سینمای کمدی وجود نداشت.

در اواخر دهه‌ی ۱۹۵۰ و اوایل دهه‌ی ۱۹۶۰ چند فیلم کمدی ساخته شدند، ولی آشکارا نازل و بسیار سطحی بودند. در همین دوران «بیلی وایلدر» فیلمساز بزرگ و مطرح آمریکایی، چند فیلم درخشان با مایه‌های کمیک ساخت که از میان آن‌ها دو فیلم «بعضی‌ها داغشو دوست دارن» (۱۹۵۹) و «آپارتمان» (۱۹۶۰) جزء بهترین فیلم‌های کمدی تاریخ سینما هستند؛ هر دو فیلم وایلدر، از نوع خاص طنزپردازی او به‌رهمندند و آکنده از شوخی‌های کلامی درخشان. دهه‌ی ۵۰ هم‌چنین شاهد ظهور «جری لویس» بود فیلم‌های اولیه‌ی لویس آثاری پرتحرک بودند و یادآور فیلم‌های کمدی قدیمی. اوج فعالیت جری لویس در دهه‌های ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ بود.

به این ترتیب سینمای کمدی که شروعی قدرتمند و دوران اوجی نسبتاً طولانی را پشت سر گذاشته بود در ادامه رکود چشمگیری داشت، زیرا از طرفی تماشاگران دیگر روی خوش به کمدی‌های سبک نشان نمی‌دادند و خواهان عمق و ظرافت بیش‌تری در فیلم‌های کمدی بودند و از طرف دیگر ستارگان بزرگی در سینمای کمدی مانند گذشته ظهور پیدا نکردند. همه‌ی این عوامل موجب شد که رویکرد جدیدی را در عرضه‌ی کمدی شاهد باشیم، این که فیلم‌های کمدی بیش از آن که خنده‌آور باشند تلخ و دردآور بودند؛ این نوع کمدی را اصطلاحاً «کمدی سیاه» می‌نامند. در جناح مثبت باید به فیلم‌های خوش‌بینانه‌ی «مل بروکس» اشاره کرد و در جناح مقابل به فیلم‌های ظریف و حساس «وودی آلن»

که موفق به خلق یک نوع کمدی خاص خود شد که آمیزه‌یی از هجو، فارس و شوخی‌های کلامی بود و بهره‌مند از اندیشه‌یی خاص که نظام اجتماعی - سیاسی را زیر سؤال می‌برد. در ضمن باید اشاره‌یی هم داشت به کمدی‌های هجوگونه‌ی «استنلی کوبریک» به‌ویژه فیلم «دکتر استرنج‌لاو» که هجو به‌یوی بود بر جنگ‌طلبی سردمداران آمریکا و برخی آثار «مایک نیکولز» به‌ویژه فیلم «کچ - ۲۲» که آن هم هجو به‌یوی بود بر جنگ و اهداف پنهان در پشت آن.

در انتها باید گفت اگرچه سینمای کمدی دوران اوجش را پشت سر گذاشته، اما کماکان فیلم‌های درخشانی در این عرصه ساخته می‌شوند و هم‌چنان چهره‌های مطرحی را در آن شاهد هستیم که نوع کمدی خاص خود را عرضه می‌کنند؛ چهره‌هایی همچون «استیو مارتین» و «جیم کری». نکته‌ی دیگری که باید گفت این است که امروزه در فیلم‌های کمدی سعی می‌شود بیش از آن که روی شخصیت‌های کمدی تکیه داشته باشند بر موضوعات و محتوای کمیک دست بگذارند.

انواع کمدی

- اسکرובال با فیلم قرن بیستم
«اسکرובال» که محصول دوران رکود اقتصادی آمریکا و اوضاع نابسامان روانی مردم در این دوران است، در دهه‌ی ۱۹۳۰ بسیار رایج شد. کمدی‌های اسکروبال با عرضه‌ی شخصیت‌های شاد و شنگول که با بی‌خیالی در دنیایی پر از ثروت و شکوه به سر می‌بردند، گریزگاهی بودند برای مردم خسته و آنان را برای مدتی کوتاه از مسایل و مشکلاتی که





پیش رویشان بود دور می‌کردند؛ هم‌چنین انتقادی تلخ و گزنده بودند از قشر ثروتمند و بی‌خیال و با ازدواج دختری ثروتمند و پسری از طبقه‌ی فقیر و یا متوسط به پایان می‌رسیدند. اساس این کمدی‌های پرهرج و مرج، مبتنی بر لودگی بود. در این فیلم‌ها مهمل‌گویی رواج بسیار داشت و جالب آن که این مهمل‌گویی‌ها در عین بی‌منطقی، منطقی جلوه می‌کردند. یکی از ویژگی‌های بارز کمدی‌های اسکروبال، شخصیت قهرمان زن آن‌ها بود. این زنان، هم‌تای مردان، آزاد، دارای استقلال رأی و پرخاشگر بودند و طنز و شعور بالایی از خود به نمایش می‌گذاشتند.

قرن بیستم (۱۹۳۴) ساخته‌ی هاوارد هاکس را می‌توان به نوعی آغازگر این نوع کمدی دانست، اما این فیلم در یک شب اتفاق افتاد (۱۹۳۴) ساخته‌ی فرانک کاپرا بود که ویژگی‌ها و قواعد این نوع کمدی را به خوبی عرضه کرد و آن‌ها را رواج داد (این فیلم در اسکار سال ۱۹۳۵ چهار جایزه را از آن خود کرد). یکی دیگر از مهم‌ترین فیلم‌های این نوع کمدی که در عین حال پرشورترین و بی‌منطق‌ترین آن‌هاست، بزرگ کردن بچه (۱۹۳۸) ساخته‌ی هاوارد هاکس بود. کمدی اسکروبال در اواخر دهه‌ی ۱۹۴۰ کم‌کم رونق خود را از دست داد.

- اسلپ‌استیک و کمدی‌های لورل و هاردی

واژه‌ی «اسلپ‌استیک» در واقع به دو تکه‌ی چوب متصل به هم اطلاق می‌شد که دلقک‌های سیرک از آن استفاده می‌کردند، اما در سینما به نوعی کمدی اطلاق می‌شود که حرکات پرخاشگرانه و خشن قابل توجهی در آن وجود دارد که دستمایه‌ی خنده قرار می‌گیرند. در کمدی‌های اسلپ‌استیک بازیگران با مشت و لگد و پرتاب چیزها به هوا و به طرف بازیگران دیگر، صحنه را به شکلی مضحک به آشوب می‌کشند؛ علت کمیک بودن آن‌ها بی‌انگیزه بودن درگیری آدم‌هاست که ناخواسته در زد و خورد و بزنی و بکوبی شرکت می‌کنند و به اصطلاح کافه را به هم می‌ریزند. این نوع کمدی بیش‌تر در دوران سینمای صامت رواج داشت و از جمله نمونه‌های آن می‌توان به کمدی‌های مک سنت که برای کمپانی کی‌استون فیلم بازی کرد اشاره نمود. بسیاری از فیلم‌های لورل و هاردی نیز در این دسته جای می‌گیرند. سه کله‌پوک هم ارایه‌دهنده‌ی

جمله این فیلم‌ها می‌توان به دکتر استرنج‌لاو (۱۹۶۴) ساخته‌ی استنلی کوبریک اشاره کرد که در آن سردمداران یک کشور در اتافی به نام اتاق جنگ به‌طور احمقانه‌ی جنگ‌های خانمان‌سوز به راه می‌اندازند و جان انسان‌ها برای آنان هیچ ارزشی ندارد؛ دیالوگ زیر از فیلم، خود به خوبی بیانگر همه چیز است: «آقای رییس‌جمهور، نمی‌گم آب از آب تکون نمی‌خوره، فقط می‌گم که فوقش بیش‌تر از ۱۰ یا ۲۰ میلیون نفر کشته نمی‌شن، البته بسته به آتراکت‌هایی که می‌دیم!»

- کمدی‌های هجو و وودی آلن

«هجو» تقلید خنده‌داری از یک اثر جدی است؛ نوعی کمدی که یا با برداشتی خنده‌دار از مضمونی جدی و یا با انتخاب عناصری از آن و اغراق در این عناصر، عمل می‌کند. در سال‌های اخیر وودی آلن چندین بار از این نوع کمدی استفاده کرده است؛ برای نمونه فیلم پول را بردار و فرار کن (۱۹۶۸) هجویی است بر فیلم‌های گانگستری و فیلم موزها (دیوانه‌ها) (۱۹۷۱) هجویی بر فیلم‌های سیاسی آمریکای لاتین. از نمونه‌های دیگر می‌توان به دو فیلم از مل بروکس اشاره داشت؛ زین‌های شعله‌ور (۱۹۷۴) هجویی بر سینمای وسترن و فرانکشتاین جوان (۱۹۷۴) هجویی بر فیلم‌های ترسناک. دو فیلم چارلی چاپلین یعنی عصر جدید (۱۹۳۶) و دیکتاتور بزرگ (۱۹۴۰) نیز فیلم‌های درخشانی در این زمینه هستند؛ اولی هجویه‌ی بی بر صنعتی شدن جوامع و دومی هجویه‌ی بی است بر عملکرد سردمداران حکومت‌ها برای جنگ‌افروزی و اعمال جنایت ■

نوع خاصی از این کمدی هستند. در سینمای ما اسلپ‌استیک با نام «کمدی بزنی و بکوب» مصطلح است.

- فارس با حضور مک سنت

«فارس» نوعی از کمدی است که در آن شخصیت‌های اغراق‌شده با کارهای اغراق‌آمیز خود موقعیت دراماتیکی پدید می‌آورند و در تماشگر واکنش ایجاد کرده و خنده می‌آفرینند. فارس همواره یکی از عناصر اصلی در تئاترهای کمدی و از فرم‌های رایج سینمای صامت بود.

تقریباً تمام فیلم‌های مک سنت، در گسترده‌ترین مفهوم کلمه فارس هستند. حتی آثار بزرگ‌ترین بازیگران سینمای کمدی یعنی چارلی چاپلین، باستر کیتون، هری لنگدون و هارولد لویید در اصل، فارس به حساب می‌آیند. با ورود صدا به سینما کمدی‌ها هم پیچیده‌تر شدند و به طرح قصه‌ها، شخصیت‌ها و ماجراهای آنان، گفت‌وگو و صداها‌ی خنده‌دار افزوده شد. از میان کمدین‌های عصر ناطق سینما که عمده‌ی آثارشان به سبک فارس هستند، می‌توان برادران مارکس را نام برد.

- کمدی سیاه و دکتر استرنج‌لاو

نوعی فیلم یا نمایش که حس تلخ و سیاهی از طنز دارد و مسابلی جدی چون بیماری، جنگ و یا مرگ را دستمایه قرار می‌دهد. این گونه فیلم‌ها و نمایشنامه‌ها معمولاً سرشتی افشاگر دارند و کنش‌ها و واکنش‌های به ظاهر مخفی آدم‌ها را نسبت به این واقعیت‌های نامطلوب آشکار می‌کنند. از